



## بنام کردستان بزرگ

### Under Name of Graet Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چر دل به تودادم!  
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

\*\*\*\*

از : ترور قاسملو تا ... قرار داد آتش بس و

نأش به تال امروزی حزب دمکرات کردستان - ایران

ونقش آقای جلال طالبانی در این باره؟.

\*\*\*\*

از : سرهنگ چیا

**رفقا!** ، همانطوریکه در بعضی از نوشته هایم بر حسب مورد بدان اشاره کرده ام : این واقعه را میبایستی از همان ابتداء تاریخ : وقوع جرم از : دو جنبه زیر مورد ارزیابی ، بررسی و تحقیق قرار می گرفت .

**1-** از جهت عوامل و عناصر خارجی ذیمدخل در این ماجرا از : طریق دستگاههای : قضائی و اجرائی دولت اطریش بمنظور : کشف و تعیین میزان و چگونگی نقش رژیم جمهوری ایران در این جنایت و بالاخره : تعیین متهم یا متهمین ، تعقیب و دستگیری آنان از مجاری سیاسی و قضائی کشور ذیربط و .... بالاخره : مجازات عامل و یا عاملین آن .

**2-** جنبه دیگر ویا باصطلاح " رویه دیگر این سکه " ، وقوع این جرم بلحاظ تعیین و اعلام نقش عوامل " خودی " آن نیز مثلا : آقای ( جلال طالبانی ) مطرح است .

چرا؟ ... و چگونه؟.

درسالهای 1982 - 1983 نیروهای آقای جلال طالبانی تحت نام " اتحادیه میهنی کردستان؟! " ، به یک سری عملیات موفقیت آمیزی چریکی علیه نیروهای رژیم سابق و هواداران منطقه ایی وی " چاش ها " مبادرت و در نتیجه رژیم را که در آن زمان درگیر مسائل و مشکلات جنگ 8 ساله

بادولت ایران بود بوحشت و چاره اندیشی و امیدارد : تاکتیک : ( **اغتنام وقت - و تجدید قوا** ) که در این قبیل موارد یک تاکتیک شناخته شدهء نظامی است! ، اعم در جنگهای " منظم و یا غیرمنظم " می باشد، متوسل میگردد .

**توضیح تاریخی** : متاسفانه طرح و اجراء این تاکتیک ( **اغتنام وقت - و تجدید قوا** ) اگر نه یکبار ، بلکه به دفعات از طرف رژیم های اشغالگر کردستان ، در مورد جنبش های ملت کرد **بویژه** : در مواقعی که جنبشها از نظر نظامی در مراحل " **اعتلا و اوجگیری** " بوده - و ابتکار عملیاتی در جبهه های جنگ با نیروهای جنبش بوده است!! ، به دفعات و با موفقیت مورد استفاده نیروهای " **سیاسی و نظامی** " دشمنان ما قرار گرفته - و هر بار نیز بعلت ضعف و ناتوانی رهبران سیاسی جنبشها در تجزیه و تحلیل اوضاع و احوال جاری " **مقاصد و نیات** " دشمنان کرد؟! . **لذا** : موجب شده اند : نقطهء پایانی بر سرنوشت و مقدرات جنبش ها بگذارند . بدون اینکه رهبران جنبشهای ما از آن تجارب تلخ و ناگوار .... و گرانبها چیزی بیاموزید؟! .

**میگویند** ( ارتشهای شکست خورده خوب تعلیم میگیرند). **لیکن!** : کی؟ ، چطور؟ و کجا؟ .

**لذا** در رهگذر تکرار این تاریخ - و برای اجراء موضوع : ( **مذاکره و مصالحه** )؟! ، را در سال 1984 به رهبری اتحادیهء میهنی؟! : ( **جلال طالبانی** ) رابا وساطت و میانجیگری دکتر قاسملو که : ظاهرا مورد اعتماد و اعتبار دو طرف متخاصم بود پیشنهاد میکند .

اینموضوع مورد موافقت طرفین درگیر در جنگ - و نیز شخص دکتر قاسملو قرار میگیرد .

**لیکن** گویا قاسملو به دلایل : روابط طولانی - و تنگاتنگ اش با رژیم بعث عراق ، و بویژه : نیازمندیهای آشکار و سازمانی اش در آن روزها به آن رژیم ، **لذا** : در جریان این : مذاکره و مصالحهء " **ساختگی و اغفال کننده** " ، جانب رژیم بعث را میگیرد : **بسا!** ( **نا خودآگاه** مورد سوء استفادهء رژیم بعث قرار میگیرد )؟ .

لیکن ، اینموضوع کافی برای رفع ابهام و سوء ظن **جلال طالبانی** از نقش قاسملو در غافلگیری و شکست خود و نیروهایش نمی شود . یعنی اینکه : **جلال طالبانی!** در این جریان خود را فریب خوردهء - و دکتر قاسملو بعنوان : رابط و میانجیگری مقرر می داند .

**نهایتا** : رژیم عراق همانطوریکه در بالا اشاره کردم موفق میشود که از تاکتیک : ( **اغفال و اغتنام فرصت** ) در طول مذاکرات با میانجیگری قاسملو استفاده تا جائیکه : نه تنها نیرو های خود را دوباره سازمان و آمادهء جنگ میکند ، حتی موفق میشود که نیرو های " **بارزانی** " رقیب تاریخی **جلال طالبانی** را هم با خود همراه سازد .

سرانجام در یک حملهء غافلگیرانه و سراسری نیروهای مشترک : **دولت بعث عراق و بارزانی** موفق میشود که ( **جلال طالبانی** ) و نیروهایش را به عقب نشینی و ترک منطقه وادارد ، در نتیجه

رهبری باصطلاح " اتحادیه میهنی؟! " و نیروهای تحت فرمانش ناچار به عقب نشینی به ایران میگردد.

**میدانیم!** یکی از خصائل بسیار زشت و کریه ، خطرناک و غیر قابل گذشت در فرهنگ و سنت عشیره ایی : **انتقام - و انتقام جوئی** است . متأسفانه تاریخ ما ملت کرد از این بابت نمونه ها بسیار دارد . **بویژه** : اگر این موضوع در سطح سران و در رابطه با جاه و موقعیت و منطقه مورد ادعا و استیلاگری موروثی آنان مطرح باشد!! ، موضوع : شکل و محتوای (( **همه چیز یا هیچ چیز** ))!! ، را پیدا خواهد کرد

لذا: **آقای جلال طالبانی** برای بازگشت به سرزمین موعود و مورد ادعای موروثی اش : **سوران** از رژیم جمهوری اسلامی تقاضای کمک و پشتیبانی نظامی و لوچستیکی رامیکند .

در این ماجرا **طالبانی** دو هدف مشخص را دنبال میکند . **1** - انتقام از **قاسملو** بعنوان رابط و میانجی بین رژیم عراق و اتحادیه میهنی؟! که منجر به شکست و ناکامی وی شده است . **2** خوش خدمتی و سپاس گزاری به رژیم جمهوری اسلامی ایران بخاطر : **الف** - راه دادن وی و ایل و تبار همراه و... شکست خورده اش به ایران ، **ب** - تجهیز و تدارک نظامی و لوچستیکی دو- باره وی علیه رژیم عراق و .... **بویژه** : رقیب تاریخی اش "**بارزانی**" .

برای انجام این کار " ماموریت "**جلال طالبانی** از سفرهای سالیانه و توریستی قاسملو به اروپا کاملاً آگاه و مطلع است ، لذا با وی ارتباط و مسئلهء : ( مذاکره و مصالحه ) با رژیم ایران را به ایشان پیشنهاد مینماید : (( دقیقاً همان کاری که قاسملو در رابطه با رژیم عراق با وی کرده بود )) . **قاسملوی** فریب خورده و نیاموخته از تاریخ و تجربه؟! . و برخلاف نصیحت پدرش : ( اگر فارسی را مقابل خود دیدی سعی کن جانت را نجات بده )!! . معذالک این پیشنهاد **جلال طالبانی** را میپذیرد . بعبارت واضحتر بدام می افتد . میگویند :

رئیس جمهوری الجزایر احمد بن بلا نیز در این مورد نقشی داشته است .

در اینجا وجود و حضور شخصی بنام "**دکتر فاضل رسول**" یکی از کردهای عراقی مقیم کشور اطریش در جلسه مذاکرات مزبور میتواند نظریهء فوق را تأیید کند . **بویژه** : ترور "**دکتر فاضل رسول**" نمایندهء که نقش میانجی و نظارت را داشته هم میتواند به عنوان "**صدا خفه کن**" - و پرده پوشی اسرار پشت پرده در این ماجرا ، میتواند مورد نظر و ارزیابی قرار گیرد .

**آقای طالبانی** برای اجرای هرچه کاملتر دو هدفی که در بالا بدان اشاره کردم : پس از ترور دکتر قاسملو و از تاریخ بازگشت به منطقهء مورد ادعای موروثی اش "**سوران**" لحظه ایی از تعقیب و آزار **برگزیدگان - و پیروان قاسملو** ، کوتاهی و دریغ نمی کند :

1- تحت فشار مداوم و تهدید های روزانه آنها به ترک منطقه زیر نفوذ و استیلاگری خود در **سوران** می کند.

2- همزمان و بعنوان مکمل تهدید های (**بند 1**) تیم های "**تعقیب و شکار**" رژیم ایران با اطلاع و آگاهی آقای **جلال طالبانی**، و در منطقه زیر نفوذ و اقتدار وی تعدادی در حدود 720 نفر از کادرها و پیشمرگان حزب را درسکوت، بلا تکلیفی و سرگردانی کامل دستگاه رهبری حزب ترور و یا زخمی میکنند.

3- دستور تعطیلی رادیوی حزب با توسل به نیروی قهریه به دستور **جلال طالبانی** یکی دیگر از عملیات ایذائی و ارعابی است که بمورد اجرا میگذازد.

4- بازهم **جلال طالبانی** در اجراء کامل ونهایی دو هدفی که در بالا ذکر کردم : 1- انتقام 2 خوش خدمتی و سپاسگزاری به رژیم جمهوری اسلامی ایران، به انجام و اجراء موارد و مسائل ذکر شده در فوق اکتفاء نمیکند، و با هماهنگی و طراحی و با سپاه پاسداران رژیم به لشکر کشی شبانه به کمپ آوارگان ایرانی در کوئیه محل و ماوای سکونت 30 ساله رهبری آواره حزب دمکرات کردستان "**کوئیه**"، در ساله های 1990 میپردازد. که از این برنامه به دلیل اطلاع قبلی حزب نتیجه ایی فیزیکی "**زخمی یا گشته**" ایی نمیگیرد. لیکن، بعنوان اخطار و تهدید به اینکه : آنها با چنین خطرات جدی وعینی در منطقه روبرو هستند آنچه را که او در نظر داشته عملا به خوبی و آگاهانه استفاده و بهره برداری میکند.

5- تمام این جریانات "**تهدید و ترور**" های آشکار و پنهانی تحت نظر **جلال طالبانی** با هم آهنگی کامل با رژیم جمهوری اسلامی و عوامل اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی آن رژیم علیه دستگاه رهبری حزب و عوامل و عناصر وابسته به آن حزب، از جمله : (**تعقیب و شکار**) عوامل و عناصر پراکنده و متفرق و بالاتکلیف حزبی در منطقه بدون کوچکترین عکس العملی و یا اعتراضی در: سکوت و رضاء - بلا تکلیفی و سرگردانی - وحشت و اضطراب اورگان رهبری حزب انجام میگیرند!! و این در واقع همان چیزی است که : **جلال طالبانی** نیز به خوبی به ضعف و عدم کفایت آنان آگاه و از این موضوع : نهایت سوء استفاده (**بهره برداری**) را به نفع برنامه اش میکند.

خلاصه اینکه : تمام این عملیات ایذائی و ارعابی، در ایفاء و اجراء نقش نماینده و ویژه رژیم جمهوری اسلامی تا آنجا پیش میرود که **سرانجام** : با توسل به (بهبانه و دستآویز) اینکه او دیگر نمیتواند سلامتی جان آنان و خانواده شان را در برابر عملیات نفوذی تیمهای **تعقیب و ترور** رژیم جمهوری اسلامی در منطقه تامین و تضمین نماید .... و آنها باید منطقه را ترک کنند. **بالاخره** : در سال 1986 (13 سال پیش) آنها را وادار به تسلیم و رضا ... و **انعقاد** :

(( موافقتنامه محرمانه آتش بس - و ئاش به تال )) امروزی میکند

بعبارت واضحت : **جلال طالبانی** آخرین تیر خلاص را بر پیکر ضعیف و لرزان جنبش آزادیبخش

ملت کرد در این بخش از میهن کرد در سکوت و رضاء کامل سران حزب دمکرات کردستان -  
ایران ، و سازمان کومله شلیک میکند

شایان ذکر و قابل توجه است : در تمام این پروسه طولانی : عملیات ایذائی و ارعابی علیه دستگاه رهبری حزب دمکرات کردستان - ایران ، پیشمرگان و کادرها آن که طراحی و اجرا میگردند .

**بعکس!!** ، سران سازمان کومله و عوامل و عناصر وابسته به آن سازمان ساکن در همان منطقه زیر نفوذ و استیلا گری آقای **جلال طالبانی** در نهاد امن و آرامش زندگی روزانه و عادی خود را میگذرانند؟!!

زیرا: همانطوریکه قبلا به آن اشاره کرده ام ، بر حسب روابط سنتی بر مبناء پایگاه طبقاتی مشترک " فئودالی"؟ سران این سازمان با **جلال طالبانی**؟؟ ، بمنزله لازم و ملزوم همدیگرند لذا: آنها نیازی به تنظیم و یا امضاء چنین ( موافقتنامه آتش بس ) رابا رژیم جمهوری اسلامی ندارند؟؟. درعوض سخن و کلام : ( **مام جلال** )؟؟ ، به نمایندگی رژیم جمهوری اسلامی ایران برای رهبران این سازمان و بالعکس ، در حکم الزام ، اجراء و حجت است .

البته باید در اینجا و در این رابطه به این نکته اشاره ائی کرده باشم و آن اینکه : اغلب سایت های انتیرنییتی به مسائل خارجی - و نقش نفوذی عوامل جمهوری اسلامی پرداخته اند . برای نمونه اکثر آنها از حضور شخصی بنام " دکتر فاضل رسول " و بویژه : علت حضور و نقش وی در این جریان ابداء نامی به میان نیاورده اند؟!!. مثلا : تعیین و مشخص کنند که : آیا وجود و نقش او در این مذاکرات چه بوده؟ - و چرا و از طرف چه کسی یا سازمانی در این جلسه شرکت داشته است؟! ، و بالاخره : انگیزه ترور وی چه بوده است؟! .

این مسائل و بسیاری مسائل دیگر پشت پرده ایی این واقعه را در همانروزهای اولیه و وقوع جرم میتوانستند از طریق ضبط و ثبت مکالماتی تلفونی بین کسانی که در بالا ذکر کرده ام با : ( دکتر قاسملو .... و با فاضل رسول محمود ) به کیفیت و چگونگی بیشتر وقوع این جنایت پی ببرند .

بطور کلی باید گفت که بررسی و تحقیق کنندگان این واقعه اعم در سطح گروهها و سازمانهای بیرون مرزی ، یا اورگانهای قضائی و اجرائی دولت اطریش مسئول تحقیق بیشتر به یکجانبه نگری پرداخته . از مسائل - و مشکلات پس پرده ایی آن در رابطه با تضاد های انتاگونیستی درونی و تاریخی سران " فئودال - عشیره " ایی جنبش ملت کرد بی اطلاع و یا تعمدا رغبتی در اینباره نشان داده نشده اند؟!!

**ومهتراز آن** : برگزیدگان - و پیروان : دکتر قاسملو بجای تعقیب و پیگیری پرونده آن در همان روزهای اولیه ، به منظور تعیین و مشخص کردن موارد ذکر شده در بالا ، **بعکس** : امروزه و

پس از گذشت 20 سال از این واقعه جنایی ، با ریختن اشکهای " تمساح و تملق " آشکارا به افسانه پردازی "عوامفریبی" پرداخته تا در فرآیند آن : ( موافقینامهء محرمانهء آتش بس و ئاش به تال 30 سالهء )؟ ، خودشان را ازدید و قضاوت افکار و انظار عمومی ملت کرد مخفی و کتمان نمایند؟؟.

جنبهء دیگر این : ( موافقتنامهء محرمانهء آتش بس و ئاش به تال 30 ساله )؟ ، درس عبرت و زندهاری است برای : همهء افشار و طبقات و توده های زحمتکش کرد ، که چگونه جنبشهای آنان در اوج شکوه و عظمت ، در قلهء پیروزی و افتخار ، در آنجائیکه خود را فرسنگها از هرگونه ریشخند و خفتی دور می انگارد ، در اثر رهبری معدودی نا شناخته ، جاه طلب و معامله گر ، در معرض تند باد شکست و ناکامی .... و ذلت قرار میگیرد .

**سرانجام جنبشهای ما :** بمانند یک کمدی حقیقی و تاریخی ، در واقع جلوهء یک " تراژدی " می گردند .

انکار این واقعیت کاریست فقط از عهدهء مداحان و سالوسان بر میآید . زیرا مضمون سیاسی و تشکیلاتی و طبقاتی هر دو جناح با یکدیگر همانند است و آن : همکاری گروهی ، استنکاف از حقوق ملی و دمکراتیک ملت کرد ، خوداری از عملیات انقلابی ، شناسائی بدون قید و شرط تمامیت ارضی کشورهای اشغالگر ، بی اعتمادی نسبت به توان و قدرت " مادی و معنوی " توده خلق ... و این در واقع همان ادامهء سیاست : ( ارتجاعی و فاشیستی ) اشغالگران است که امروز جناحهای انشعابی و انفعالی از : کانالهای " طالبانی و بارزانی "!!! با آن در ارتباط و پیوندند .

**رفقا!** ، آنچه را که فوقا و در رابطه با دخالت احتمالی جلال طالبانی در ترور دکتر قاسملو تشریح و استدلال کردم ، این فقط یک نظر شخصی و مبتنی بر قرائن و امارات ذکر شده در بالا است . بدیهی است برای اینکه : این احتمالات جنبهء واقعی و قانونی را بخود بگیرد و از مر- حلهء حدت و گمان به مرحلهء استدلال و اثبات : " قضائی و اجرائی " آن در آید ، نیاز به بررسی و تحقیق مقامات و مراجع قانونی و قضائی دارد .

[Chia.rabii@yahoo.com](mailto:Chia.rabii@yahoo.com)

2009-07-30

مالمو سوئید .